



# منظومه‌ی پری بُلنده

## مندی

عکسی از مجموعه‌ی «روسپی»؛ عکس‌های کاوه گلستان از روسپی‌خانه‌های شهر نو (۱۳۵۴-۱۳۵۶)



fold-era.com

## منظومه‌ي پری بلنده

### مندی

بدون تقدیم

«»

سربازه گفت: قربان طنابو ببندم به اون شاخه بلنده؟

فرمانده گفت نه خیر آتش خور مگه دارِ غولِ سهنده؟

سربازه گفت آخه جناب سرگرد متهم قدش خیلی بلنده

نکنه خبر ندارین اخوی، یه لحظه عنایت بفرمایین به بنده

یوآش دم گوشش گفت عیار بازار جنده‌هاس، خیلی هم لَوَنده

مته پنبه به آتیش، زبونشم تیز و برنده

بین جماعتِ لاشی معروفه به پری بلنده

سرگُردِه گفت: « نیشِ تو ببند مادر به خطایِ گاوِ الدنگ

انقلاب نکردیم که بریم تو نخِ پَر و پاچه‌ي زَنایِ دَبَنگ

از حالا هر کی جیک بزنه خایه‌شو می‌ذارم لا قلوهِ سنگ

جفت تخماشو می‌بُرم میندازم جلویِ سگ چارچلنگ

هر ماچه‌الاغی که هس دلاله‌ي سنده

اسمش فرح پهلوی باشه یا پری بلنده»

یارو که حسابی ضایع شده بود رفت و برگشت با سه تازن  
همه رو از دم چشم بند زده بودن دستاشونم بسته بودن  
یه زنه گفت: کی هستی که بو تاپاله‌یِ گاو می‌دی، بو شاش و عَن؟  
مرده همچین افتاد به جونش؛ عینهو رستم تو جنگ تن به تن  
گفت بوگندو هفت جدته زنیکه‌یِ یه دنده  
نکنه تویی که صداش می‌زنن پری بلنده؟

بعد زنا رو گذاشتن سینه‌یِ دیوار زیر یه شیروونی زهوار در رفته  
یه طلبه دماغویی از رو کاغذ خوند بسمه‌تعالی الان بهمن پنجاه و هفتم  
وقتِ حاسبو قبلِ آن تحاسبو است بر مظالمی که تاکنون بر مردم رفته  
این خواهران رحمت الاهی از آنان روی گردان شده شرف‌شان بر باد رفته  
پس به نام خداوند مهربان و بخشنده  
شروع می‌کنیم از خواهرمون پری بلنده

فرمانده کاغذو از دستش قاپید گفت: «برادر اینا همش حرف مفت  
وقتی موعد انتقام سر برسه دیگه بی خیالِ قانون و چک و سفته  
خداوند حد و دیه و تعزیرات رو برای امت مسلمون خودش گفته

نه برای این کافرایی که حسابِ گناهشون از دَششون دررفته

یکی نوکر اجنبیه یکی کسکش محله

اینم خانوم رئیس شهر نو: پری بلنده

طلبه‌هه گفت: نه برادر انقلاب ما انقلاب نور است و مهر و کرامت

گذشت آن زمانی که جان ملت حلوای نذری بود در سفره‌ی اعلا حضرت

به حمدالله اکنون قضای الهی مقدر شده است بر پایان ظلم و جنایت

فمن يعمل مثقال ذره شرا يره مفهوم قسط است و عدالت

به همین جهت حکم نهایی بنده

اشد مجازات است برای پری بلنده

یهو یکی از زنا اومد جلو گفت: «هوی... - دآش منو صدا کردی؟

بیا جلو تا خشتکتو رو سرت عمامه کنم اگه خیلی مردی

من کسکشم یا تو که ننه تو بزک کردی جا خارت عروس کردی

تا دیروز سگِ درِ شهر نو بودی، حالا خودتو آدم جا کردی

زِر می زنی بیشتر از اون دهن گنده

بگو گُه خوردم خانومِ پری بلنده

سربازه گفت: «قربان برم جِرش بدم بتیونم تو پِک و پهلوش؟»

فرمانده گفت گردنش که خُرد شد آدم می شه این اسبِ چموش

چونه ی پری رو گرفت و گفت حیف این گلو که بریده شه گوش تا گوش

پری تف انداخت گفت: حیف اونجای ننه ات بود مرتیکه ی سَقَط قروش

اینو که گفت یهو همه زدن زیر خنده

فرخ رو پارسا، اشرف چارچشم و پری بلنده

فرمانده موهای پری رو کشید دم گوشش گفت ای یابوی سِرَتَق

وقتی شعبون بی مخ بفهمه مُردی هلاک می شه طفلی از تب دق

راستی الان کجاست اون یار جَوونیت رفیق کاشانی و دشمن مصدق؟

قبلنا که دستتون تو یه کاسه بود با اعلا حضرت و اون آینه ی دق

نشمه ی رؤسای محله زرگـنـده

نوچه ی ساواکیا سرکار پری بلنده

پری گفت ریدم به اعلا حضرت و مصدق و هر چی آخوند و ملا

همه تخم حرومن این جماعت سیاست و مذهب و اون شاه پرمدها

بنازم به خودم که هیچوقت شترسواری نکردم دولا دولا

یارو گفت نمی‌خاد حالا واسه ما گه‌خوری کنی حرَضتِ والا

داره بال‌بال می‌زنه مته مرغ سرکنده

فک کرده گُهیِه این پری بلنده

بعد یارو پری رو خِرکش کرد و گفت لال شو که دیگه پسات لب داره

یه پیتِ حلبی زیر پاش گذاشت و گفت یالا برو بالا زنیکه‌ی پتیاره

پری گفت سرود شاهنشاهی نمی‌خوام روضه‌خونی هم که واسه ما عاره

اشرف یه دهن بخون تا قِر کمر پیام رنگ بگیرم بی تمبک و نقاره

زندگی تخمی مرگشَم چرنده

مرگ باشه مرگِ پری بلنده

یارو نعره کشید یا ابوالفضل و لگد زد به پیت حلبی، دنگ‌گ

پری چادر از سرش افتاد پاش تو هوا تاب می‌خورد مَث آونگ

همه خفه‌خون گرفتن خشکشون زده بود، قیافه‌ها عین سنگ

دیگه کسی نبود گُری بخونه انگار یهو کُن فیکون بشه میدون جنگ

صدایی در نمی‌اومد از هیچ تنابنده

به غیر از صدای خرخر پری بلنده

فرمانده یه نگا به قیافه‌ی ملت کرد دید رنگ به روی کسی نمونده

خودشم گلویش خشک شده بود با تته‌پته گفت به اون یارو آخونده

حاجی الان اگه صلاح می‌دونین برسیم به کارِ دو مجرم باقی مونده

طبق احکام خدا، که بعد کسی نگه خشک و ترو با هم سوزونده

مسلمون باید با ظالم بجنگه

می‌خواد شاه باشه یا پری بلنده

آخونده گفت به نام آنکه همه چیز دست اوست من جمله ممات و حیات

اینجا پیشگاه مقدس عدل است جهت اجرای بحق حکم مجازات

کُلکم راعُ و کُلکم مسئول، در قران هم آمده این مسئله به کرات

قبل از اجرای حکم دو نفر باقی مانده محمدیاش اجماعاً صلوات

همه اقتدا کنید به فتوای بنده

یه فاتحه هم برا روح پری بلنده

(البته آخونده تا اومد فاتحه بخونه همه زدن زیر خنده، اینم گفته باشم آخر قصه‌ی پری بلنده)



مُلاي کتاب به دست و روسپي بازاری و قلیانی در میان؛ اصفهان. از مجموعه نقاشي ها و طراحي های انگلبرت کمفر در ایران؛ ۱۶۸۴-۱۶۸۵،

اندازه: ۲۲.۴۰ در ۳۲ سانتی متر، نگهداری در باستان خانه ی بریتانیا

